

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۲ فبروری ۲۰۲۱

تلاش برای صلح و یا تدارک برای ادامه جنگ!؟

دوشنبه- ۱۳ دلو ۱۳۹۹ - کابل: در یادداشتی که روز گذشته معنون به "گرفتن ابتکار عمل و یا تشدید رقابت؟! در همین صفحه نگاشتم، ضمن آن که از تلاش "ولسی جرگه" جهت آوردن صلح تذکراتی دادم، افزودم که می تواند این حرکت بیشتر به منظور تشدید رقابت بین قوه مقننه و قوه اجرائیه باشد تا تلاش جهت آوردن صلح و ختم کشتار و خونریزی. هنوز ۲۴ ساعت از نشر نوشته و ایجاد هیأت "ولسی جرگه" نگذشته بود که امروز در صحن مجلس، شمشیر زبان طرفین به کار افتاده، هریک بر دیگری مهر خیانت بر میهن را وارد نمودند. گذشته از آن کسانی هم بودند که خواستار انحلال هیأت منتخب روز گذشته بودند.

از آنجائی که مناقشه و درگیری امروز بعد از ایجاد یک نهاد و یا یک هیأت بار اول نیست که اتفاق افتاده باشد، بلکه در تاریخ ۴ دهه گذشته به یک روال عادی مبدل شده است، در یادداشت امروز توجه شما را در همین زمینه خواستارم:

۱- در کشور هائی که کانون های بحران متعدد وجود دارد و باشندگان آن قسماً به تعدد بحرانها و مبنا های آنها متوجه نیستند و بخشی دیگر در نقش بحرانها و تقدم و تأخر در یافتن راه حل آنها دقت لازم و دیالکتیکی ندارند، این که تلاش برای صلح و یا وحدت نتیجه معکوس داده، باعث تشدید جنگ و یا تزیید تفرقه گردد، امریست کاملاً طبیعی و قابل انتظار و پیشبینی. زیرا در چنین کشور هائی به جای آن که مردم عادی و یا هم دست اندرکاران سیاست، بحران ها و تضاد ها را به صورت عینی بررسی نموده، جایگاه هریک از آنها را مشخص و عمده را از تابع متمایز سازند، می خواهند با دور زدن تضاد های اساسی و عمده و یا خاک پاشیدن بر روی آن، تضادی را که باعث پیدایش بحران شده است به جایش گذاشته، به زعم خودشان راه حل ببابند. در حالی که چنین امری نه ممکن است و نه هم مقدور. چنانچه:

۲- در ۴ دهه گذشته این تجربه باربار هم در درون تشکل های وابسته به روسها و هم در تشکل های وابسته به امپریالیسم و ارتجاع و حتا نیروهای انقلابی نیز بروز نموده است.

هرگاه به تاریخ تشکلات ۴ دهه اخیر به خصوص در پاکستان و ایران نظر اندازیم دیده می شود که این تجربه در آن کشور ها باربار اتفاق افتاده است. هرگاه این تاریخ را تا سال ۱۳۵۸ و طرح ایجاد "حرکت انقلاب اسلامی افغانستان" به عقب ببریم می بینیم که بعد از ناسازگاری ها بین "گلبدین-مولوی تره خیل" و "ربانی-مسعود" فراریان اسلام سیاسی مستقر در پاکستان به این نتیجه رسیدند که جهت ختم دعوا بین دو طرف، آمدن مولوی "محمد نبی محمدی" را به پاکستان غنیمت شمرده، هر دو نهاد یعنی هم حزب گلبدین و هم جمعیت ربانی، در "حرکت انقلاب" ادغام ببابند.

این ازدواج که به گفته شاهدان زنده آن در بین مهاجران افغان در پاکستان، با استقبال گرم آنها رو به رو شد، هنوز آب غسل عروس و داماد نخشکیده بود، که "گلبدین" و "ربانی" مجدداً از هم جدا شده، نتیجه ازدواج موقت شان در وجود "حرکت انقلاب" به دنیا آمد. به این هم خلاصه نشده مولوی "خالص" نیز از حزب "گلبدین" به دلیل برخورد "انشعاب گرانه" اش انشعاب نمود. یعنی "امیب" وار با تقسیم حجره راه تکرر و بقای شان را انتخاب نمودند.

ادامه روند را حین پیدایش "اتحاد اسلامی" مربوط "سیاف" باز هم شاهدیم. ۶ تنظیم "گلبدین، ربانی، مولوی نبی، مولوی خالص، مجددی و گیلانی" گرد هم جمع شدند، اتحاد کردند و "سیاف" را به حیث رهبر انتخاب نموده، در خانه کعبه بر قرآن دست گذاشتند، که به اتحاد وفادار بمانند، مگر قبل از این که از مکه به مدینه برسند و بر قبر پیامبرشان تجدید پیمان نمایند، مولود جدید الولاده "اتحاد اسلامی" به رقیب همگان مبدل شده، با بذل دالر های امریکائی و دینار های عربی، با بیرون کشیدن بخش هائی از آنها، خودش را یگانه نماینده مقاومت رسمی اعلام داشت.

این ماجرا نه تنها حین ایجاد طالب باز هم تکرار شد بلکه بارها در ایران و افغانستان بین نوکران ایران و روس نیز، خود را نشان داد. یعنی هر تلاش به منظور حفظ وحدت و آوردن صلح، به افتراق و تشدید جنگ تمام شد.

۳- امروز نیز همه شاهدیم که همان روند باز هم در آستانه تکرار شدن است، یعنی هیأتی که جهت آوردن گویا صلح روز گذشته انتخاب شده بود، امروز به مرکز فرماندهی جبهه جدید جنگ مبدل شده است.

هموطنان گرامی!

همان طوری که قبلاً نیز نگاشتم علت بروز چنین نتایج ظاهراً معکوسی، چیزی نیست به جز دور زدن و زیر پای نمودن روند تکامل پدیده ها. یعنی کس و یا کسانی بدون آن که جنگ و علت آن را بشناسند، علایق طرفین جنگ را در ادامه و یا ختم جنگ و آوردن صلح، درک نمایند، راه بیرون رفت از بحران و طرق حل تضادی که باعث بحران شده است، برای شان مطرح باشد، آگاهانه و یا هم نا آگاهانه وارد میدان می شوند، توگوئی در اینجا دو پسر بچه خردسال مشغول دعوای خانوادگی است و می شود آن را با یک پس گردنی و یا یک دانه چاکلیت حل کرد.

هموطنان گرامی!

تلاش "ولسی جرگه" همان طوری که انتظار می رفت بار دیگر نشان داد که این نظام در کل، ظرفیت حل مشکلاتش را ندارد در نتیجه هیچ حرکتی نمی تواند مانع سقوط محتوم آن بگردد. بناءً بر ماست که وارد صحنه شده، نگذاریم باز هم امپریالیسم و ارتجاع هار، بدیل و یا بدیل های خودشان را بر ما مسلط بسازند.

مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، جزء لایتجزای مبارزه علیه دولت دست نشانده می باشد!

سرکها ما را می طلبند!